

صنعت نفت

در ایران - ۲

ابراهیم فیوضات

ملی کردن نفت

ملی شدن نفت در ایران مواجه است با تحریم کامل کارتِل بین المللی نفت. در تاریخ این صنعت، اولین باریست که کارتِل بین المللی نفت با مشکل مواجه می شود. کارتِل نفتی سلاح تحریم را اولین بار علیه ملی کردن نفت کمپانی "استاندارد اویل نیوجرسی*" به وسیله شوروی در انقلاب اکتبر به کار می گیرد و برای بار دوم در مورد ملی کردن نفت مکزیک توسط حکومت ملی مکزیک، در سال ۱۹۳۸ عملی شود. در هر دو شکل یاد شده، وجود تضادهای میان کمپانی های نفتی باعث شد که آنها نتوانند سیاست واحدی را در مورد روسیه و مکزیک، اتخاذ نمایند. اما در مورد ایران، کارتِل بین المللی نفت به سبب امتیازی که انحصارات انگلیسی به سایر رقبا دادند، آنها را در سبب شدن منافع سرشار ایران تشویق کرد. آنها تصمیم واحدی را علیه ملی شدن نفت در این کشور به مرحله عمل درآوردند.

به اعتقاد تانزر، "مهمترین تحریم یک کشور صادرکننده نفت، در اوایل سال ۱۹۳۰ پس از ملی شدن نفت در ایران صورت گرفت، که به سرعت به صورت یک کشمکش سیاسی آشکار درآمد. از یک طرف به علت شرکت مستقیم دولت انگلیس ۵۱ درصد سهام در ماجرای نفت

* STANDAR OIL OF NEW JERSEY

۲۳- تانزر اقتصاد سیاسی... همانجا صفحات ۲۲۰ - ۲۱۹

ایران، تنها شرکت انگلیسی AIOC ، و از طرف دیگر، سهم شدن
انحصارات امریکایی، هلندی و فرانسوی جای پائی در امور نفتی ایران
بار کردند.^(۳۸)

پس ارسى سال درگیری، شرکت های نفتی آمریکائی به توفیق
درخشانی نائل شدند و انحصارات نفتی انگلیس حاکمیت مطلق بر
نفت ایران را از دست دادند و به سهم شدن با سایر شرکت های نفتی
بین المللی به ویژه آمریکائی تن دادند. چرچیل نقاط منفی ملی شدن
ترازنامه انگلیس را چنین توصیف می کند: " اکنون که پالایشگاه
آبادان در اختیارمان نیست، ناچاریم به فکر ۲۰۰ میلیون دلار سالانه در
بهره برداری و خدمات باشیم. کارگران ما می بایست هر سال تولید
و صدوریک میلیون دلار کارروانه را جبران کنند. این ضایعه است که
در قدرت خرید ما تاثیر دارد و روی هزینه زندگی ما اثر مستقیم خواهد
گذاشت."

در این کشمکش، کارتل های آمریکائی نفت تنها طرف پیروزمند
بودند در حالی که مردم ایران دوباره زیر یوغ نیروهای جدید چند ملیتی
کشانیده شدند و حلقه وابستگی ایران به بازار جهانی و مراکز صنعتی
غرب گسترش بیشتری یافت.

در پی ملی شدن نفت، انگلستان با تمام امکانات خود مانع
پالایش و صدور نفت اربندره های جنوب می شود.^(۳۹) بنابه گفته مهدوی
اقتصاددان ایرانی در مبارزه برای ملی کردن نفت درآمدهای حاصله
را از دست می دهد. بانک انگلیس در سال ۱۳۳۰ محدودیت هائی برای
تجدیل لیره به پول ایران قائل می شود. این سیاست باعث کاهش ارزش
ریال می گردد، یعنی هر دلار معادل ۴۰ ریال در سال ۲۹ به ۱۲۴ ریالی

۳۸- تانزر همانجا ص ۲۲۱

۳۹- تانزر همانجا ص ۲۲۲

در سال ۱۳۳۲ افزایش می یابد.^(۴۰)

سیاست تحریم کارتل های نفتی قادر به ارضاء گسیختن وضع اقتصادی ایران نبود. زیرا که نفت به صورت جزیره ای در اقتصاد این کشور عمل می کرد در واقع پیش از آن که این جزیره در اقتصاد ایران سهم موثری داشته باشد در شکوفائی اقتصاد مراکز صنعتی موثر بود.

جنبش ملی کردن نفت ، فقدان پیوند صنعت نفت در اقتصاد ایران را برای همگان روشن ساخت . اهمیت دیگر این جنبش به حرکت در آوردن و توسعه نیروهای روبه رشد اجتماعی است . در این مدت کوتاه ، نشانه هایی از گسترش صنایع ملی به ظهور می رسد . علیرغم تحریم نفتی محققى اشاره به سال های پر رونق صنایع ۲۲ - ۲۹ می نماید که منجر به " تجدید حیات اقتصادی و صنعتی " می شود . کشاورزی و صادرات بعضی اقلام ، در جهت تقویت قدرت خرید مردم و محدودیت های وارداتی ، سبب رشد صنایع دستی و خانگی می شود . زمینه مناسب سودآوری باعث بکار افتادن تعدادی فابریک و به وجود آمدن صنایع جدیدی می گردد ، که امکان صادرات بعضی اقلام ساخته شده را فراهم می آورد . این تغییر هم در صنایع مصرفی و هم تولیدی ظاهر می شود . صادرات امور غیر نفتی استحکام می یابند .^(۴۱) با آغاز کودتای ۲۲ این روند متوقف می شود و جایگزین راه کنسرسیوم نفت و مصرفی شدن شدید جامعه ایران می دهد .

لارم به یادآوری است که صنعت نفت اولین صنعتی است که زمینه

ادغام اقتصاد بومی ایران در بازار جهانی را فراهم می آورد . باتشکیـل

۴۰- MAHDAVI H. " THE PATTERNS and PROBLEMS OF ECONOMIC DEVELOPMENT IN RENTIER STATE " in THE BOOK ECONOMIC HISTORY OF THE MIDDLE EAST by COOKE, LONDON 1964 P.437, 342

JOINT VENTURE

کنسرسیوم، قانون تضمین و حمایت از سرمایه های خارجی، ایجاد سرمایه - های مختلط، اصلاحات ارضی و گسترش " صنعتی شدن " سال های ۴۰ و دیگر گونی های حاصله همه و همه نقشی بسیار اساسی در تسریع ادغام اقتصاد کشور به بازار جهانی داشته است.

کنسرسیوم

سیاست تحریم کارتل بین المللی نفت، فصل جدیدی از تاریخ دیپلماسی بیگانگان در ایران گشود. انحصارات نفتی انگلیس جای خود را به یک کنسرسیوم شامل کارتل های نفتی آمریکائی و اروپائی داد. قرارداد تشکیل این کنسرسیوم در سال ۱۳۳۳ (دهم اوت ۱۹۵۴) توسط وزیر دارائی وقت دکتر امینی به امضا رسید و درصد سهام به صورت زیر درآمد:

۴۰ درصد	- (بی بی) برتیش پترولیوم
۱۴ درصد	- رویال داچ شل
۶ درصد	- شرکت فرانسوی نفت
۸ درصد	- شرکت استاندارد اوپل نیوجرسی
۸ درصد	- شرکت استاندارد اوپل کالیفرنیا
۸ درصد	- شرکت موبیل
۸ درصد	- شرکت گلف
۸ درصد (۵٪)	- شرکت تگزاس (تکزاکو)

درست ۶ ماه پس از انعقاد قرارداد، ۵ شرکت نفتی آمریکائی

هر کدام یک درصد از سهام خود را به شرکت های نفتی دیگر آمریکائی معروف به " مستقلان " بدون صلاح دید مقامات ایرانی واگذار کردند. (۴۳)

این ۵ درصد بین ۹ شرکت نفتی به نام " آژانس محدود آمریکن " که در ظاهر به شکل شرکت های منفرد در کنسرسیوم شرکت می کنند، تقسیم شد.^(۴۴) اسامی مستقلان نفتی و درصد سهام آنان به نسبت ۵ سه برابر این قرار است:

۲۵ درصد	- شرکت نفتی ریچلند
۱۶/۶۶ درصد	- شرکت نفتی مستقل آمریکائی
۸/۲۲ درصد	- شرکت نفتی جلتی
۸/۲۲ درصد	- شرکت نفتی سهگنال
۸/۲۲ درصد	- شرکت نفتی پالایش آتلانتیک
۸/۲۲ درصد	- شرکت نفتی هنکو
۸/۲۲ درصد	- شرکت نفتی تاییدواتر
۸/۲۲ درصد	- شرکت نفتی کریرات سن پترولیوم

سپهروادث بخوبی نشان می دهد، که شرکت های " مستقل " تا چه اندازه در اختیار کارتل های بزرگ نفت قرار داشتند. این شرکت ها به وسیله کارتل های نفتی در زمینه های گوناگون مثل اکتشاف که نیاز به ریسک وجود دارد، و یانرخ سود پائین است به کار گرفته می شوند. پاکدامن اقتصاددان ایرانی در تحلیل انتقادی ارکنسرسیوم نفت به چهار نکته رجوع می نماید:

۱- قرارداد کنسرسیوم، ایران را به کشور تولید کننده نفت خام تبدیل می کند.

۲- این قرارداد هیچ گونه توجهی به مشکلات مهم اقتصاد ایران

نمی نماید، مثلاً استفاده از گاز طبیعی (۲۰ درصد تولید سالیانه صرفاً در هواشعله ور می شود)، یا ایجاد صنعت پتروشیمی در دستورکارش نیست.

۳- مشکل ادغام صنعت نفت در اقتصاد ایران به فراموشی سپرده شده است.

(۴۵)

۴- لیره استرلینگ تنها پول رایج منظور شده است.

مسئله "نباید انتظار داشت که قرارداد کنسرسيوم دگرگونی بنیادی در ساخت صنعت نفت ایجاد کند و شاید کوچکترین توهمی داشت که کنسرسيوم این صنعت را با دگرگونی عظیم اقتصادی ایران مربوط کند. آنچه مهم بنظر می رسد، این است که قرارداد باعث ایجاد يك رشته امتیازات اسارت بار جدید شد، که وابستگی اقتصاد این کشور را به بازار جهانی تسریع کرد. به دنبال قرارداد کنسرسيوم، قانون تضمین و حمایت سرمایه های خارجی و ایجاد سرمایه مختلط پدیدار شد.

سراپهر شدن سرمایه های مختلط بین المللی، به رشدی بند و بستار بانک ها و رواج زمین خواری و بورس بازی، نزول و رباخواری یاری نمود. گسترش این گونه سرمایه های نامولد در مجموع، زمینه بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی را فراهم ساخت که به علت ضعف نیروهای مردمی، در جهت منافع انحصارات نفتی و شرکت های چندملیتی خاتمه یافت.

شرایط اجتماعی کارگران صنعت نفت

قبل از ملی شدن نفت، طی چهل سال تسلط، شرکت نفت ایران و انگلیس در مجموع نه به اقتصاد ایران و نه به گروه های مولد سرمایه

اجتماعی این کشور (به استثنای گروه کوچکی در حاکمیت) خدمتی نکند.
 باوجود این منبع سرشار، و بهره کشی وحشیانه ارنیروی کسار
 کارگران صنعت نفت این شرکت در دهه بزرگترین انحصارات نفتی
 جهان قرار گرفت و به مدد آن انحصارات سلطه خود را در دورترین نقاط
 جهان استحکام بخشید. بروک می نویسد: " کارگران صنعت نفت
 و خانواده شان به جای زندگی در منازل در بهغوله ها (کهرآباد - حمیرآباد)
 بسر می برند. حقوق آنان به نسبت سایر صنایع نازل تر و اعات کسار
 آنان ۱۲ ساعت یعنی دو برابر کارگران انگلیسی در همین صنعت است."^(۴۱)
 زندگی اسفناک کارگران نفت در رسانه های گروهی و پامطیبهات
 استعماری انگلستان منعکس نمی شد، و تیلور آن در این مجامع به شکل
 انحرافی مطرح بوده است. تایمز می نویسد: " طرفتفکر و مشرب شرقی
 در رابطه با رشد و ترقی، برآزمندی متکی است، اگر وسیله زندگی او را
 آماده کنی، بیشتر می طلبد، اگر مسئله امنیت برایش حل شود برای ثروت
 له می زند، اگر فراغت به او هدیه کنی وسایل تفریح می خواهد." بروک^(۴۲)
 خاطر نشان می کند: " از زمانی که ماری آن توانست به مردم محتاج به
 جای نان پیشنهاد کیک می کرد، چنین توهمی هائی به زبان آورده نشده -
 است."^(۴۳) درست يك سال پس از کودتای ۲۲ که فعالیت های جدید نفتی
 تحت نظارت کنسرسیوم درآمد، تغییراتی در وضع اقتصادی - اجتماعی
 ایران بوجود آمد. این تغییرات در رابطه با مساله ارضی، بزرگ مالکان
 را از حاکمیت به زیر می کشد و گروه های صنعتی وابسته را جانفشکن
 می سارد و تسهیلات لازم برای ورود سرمایه به روستاها را فراهم می آورد.
 سیر صعودی قیمت نفت خام، گاز و مس و به ویژه با افزایش قیمت

۴۱ - بروک همانجا ص ۵۵

۴۲ - بروک " ص ۵۴

۴۳ - بروک " ص ۵۴

ارسال ۵۲ به بعد، سرمایه در گردش رادرخواومیانہ دو چندان میکند، و منافع کمپانی های نفتی را افزایش نجومی می بخشد، و به تجمع مراکز پولی در این منطقه رونق تازه ای می دهد.

در طول این مدت طبقات اجتماعی متحول می شوند. پیمان کاران و مقاطعه کاران واقشار انکلی قدرت می یابند. دگرگونی های گروه های اجتماعی، دروضع کارگران نفت کمتر بهبودی حاصل می شود. در مجموع، سیادت کارتل بین المللی نفت پس ادرهم شکستن مقاومت مردم تحقق می یابد. ارسال های ۲۲ به بعد کنسرسیوم به بهانه این که بازار جهانی کار شرایط رقابتی به او تحمیل می کند بامینه قبلی مقامات دولتی ایران کارگران صنعت نفت را بتدریج ارتولید و پالایش و بخش های مهم جابجا و اخراج می کند: قبل ارسال ۲۲ تعداد شاغلین در نواحی جنوب به ۶۵ هزار نفر می رسید. این تعداد بنابه گفته باری براقصصاد دان انگلیسی متخصص در اقتصاد ایران به ۴۰ هزار نفر تنزل نمود. ارقام زیر توسط بارچ اقتصاددان دیگر انگلیسی همین عقیده را تائید می کند.

متخصصین متحصین کارگران مقاطعه

سال	ایرانی	خارجی	ایرانی	کاران	جمع
۱۳۳۹	۸۰۵۴۴	۸۲۸	۴۵۶۴۶	۲۲۰۶	۵۸۲۲۴
۱۳۴۴	۱۰۳۱۵	۵۰۱	۲۰۷۲۲	۲۰۱۲۷	۴۲۶۸۵

نتایج تجربی قراردادهای کنسرسیوم نفت در رابطه بانپروی کار پس اریک ربع قرن (در حقیقت ۶۵ سال پیدایش نفت در ایران تا آن

۴۹ - BHARIER J. ECONOMIC DEVELOPMENT OF IRAN (1900 - 1970) OXFORD UNIVERSITY PRESS 1972.

۵۰ - BARTSCH W.H. " THE IMPACT OF THE OIL INDUSTRY ON THE ECONOMY OF IRAN". ch.10 THE BOOK FOREIGN INVESTEMENT IN THE PETROLEUM and MINERAL INDUSTRY P.F MIKESELL, 1971 P. 254/

رمان) از يك طرف می توان در گفته های مسئولان دولتی مبنی بر ضعف و کمبود نیروی کار آرموده در اقتصاد ایران جستجو نمود و از طرف دیگر وارد کردن نیروی کار ارزان خارجی، (کره جنوبی - تایوان ...) گسه امکان رشد به نیروهای داخلی به شکل مهارت افزایی و تخصص داده نشده است.

کارتل های بین المللی نفت و شرکت های چندملیتی با استفاده از وضع نامناسب نیروهای روبه رشد به انتقال نیروی کار خارجی اقدام نمودند و موجب مهارت افزایی مراکز صنعتی و مهارت زدائی (در حقیقت انحطاط تکنولوژیکی) در کشورهای پیرامون شدند. این پویش دوگانه مهارت افزایی و مهارت زدائی در پیرامون امکان هر گونه مناسبات درونزا راهمیشگی ازمیان برده است و به استقلال ملی بزرگترین لطمه را وارد کرده است.

استقلال ملی و نفت

وجود منابع انرژی در ایران و نیاز سرمایه های بیگانه به این انرژی سبب شده که اقتصاد ایران به سرعت در بازار جهانی مطرح شود، و به دنبال آن مساله استقلال ملی در رابطه با صنعت نفت که در دوران ملی - شدن عنوان شد، به شکل مسئله سیاسی روز درآید. در زمینه استقلال، نگاهی گذرا به نتایج کار شرکت نفت سابق و کنسرسیوم امروز می افکنیم تجارب شرکت نفت ایران و انگلیس و تاریخ ۲۵ ساله کنسرسیوم تنها به توسعه بخشی از صنعت و به تشدید وابستگی اقتصادی کمک کرده است.

سیاست عدم وابستگی و استقلال سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در مقابل انحصارات بزرگ بین المللی نفت، پاسخی است که می توان دوچندکلمه در کتاب شاتلو " استراتژی برای خاورمیانه " جستجو کرد. او با کمی

خوشبینی می نویسد: " منابع نفتی در یک زمان ابزار آزاد کننده و در زمانی دیگر وسیله سلطه گری هستند.^(۵۱) برای رسیدن به چنان نتایجی لزوم دسترسی به واقعیت های اجتماعی ضروری است. در جوامعی که بر اساس رشد ناموزون پیشرفتگی و عقب ماندگی، فقر و ثروت شکل می گیرد، وجود این انرژی در تشدید توسعه آن نظام ضروری است. کارتل های نفتی به منزله ارکان این نظام بر منابع انرژی و نفتی تسلط داشته اند، و به همین جهت تلاش کشورهای نفتی در جهت کسب استقلال مسیر بسیار دشوار و پیچیده ای را طی کرده و می کند. برای این که در نبرد طولانی و پیچیده توفیق حاصل شود لازم است کلیه نیروهای رشدیابنده اجتماعی به شکل واقعی و در کادر استقلال ملی شرکت جویند و از هر در رفتن نیروها حذر کنند. با چنین تدبیری است که می توان در درآمدت باتکیه بر رشد وحدت نیروها بر آثار وابستگی فائق آمد. چنین سیاستی در مرحله نخست بر توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه و در مجموع به نیروهای رشدیابنده متکی است. زمینه رشد این نیروها با وجود سیادت کارتل بین المللی نفت یا شرکت های چند ملیتی به سختی امکان پذیر است. دگرگونی اساسی نظام اجتماعی، به مدد درآمد حاصله از نفت و گاز هدفی قابل تحقق در شرایط کنونی است. اما این هدف در درآمدت نقطه مقابل استراتژی کارتل بین المللی نفت قرار دارد. به گفته تانزر، انحصارات نفتی علاقمندانند که درآمد حاصله از نفت صرف واردات کادیلک، سیستم تهویه، تسلیحات و ایجاد کاخ بشود، نه اینکه به مصرف توسعه نیروهای مولد چون نیروی کار برسد که انحصارات را در مرحله اول و ادار به پرداخت مزد بیشتر نموده و در مراحل بعدی نظام بهره گشی را به زیر سؤال می کشد.

اصول این نوع توسعه می تواند به ترقی سطح فرهنگ و سطح آگاهی عمومی

سیاسی توده هامنجر شود. تکامل معرفت اجتماعی مشوق توده هادربه رهبر
سؤال کشیدن سوده‌های کلان کمپانی های نفتی و به زیرسؤال درآوردن -
نقش تعیین کننده کمپانی هادرمسائل سیاسی این جوامع است .

سیاست کارتل های نفتی را که مبتنی بر ازم گسیختن اوضساع
اقتصادی واجتماعی کشورهای صادرکننده نفت و ایجادجزیره ای مستقل از
فرم اجتماعی آنهاست ازپیش اردیابی کردیم، وپیوند آنرا با بازار
بین المللی نفت طرح ساختیم. دراز این ازم گسیختگی نیروهای
رشدیابنده، کشورهای صادرکننده نفت، در اردیابی تناسب قوای
بین المللی می توانند به ایجاد شرایط مناسب جهت ادغام صنایع نفت
در اقتصادشان استفاده نمایند. به اعتقاد شوالیه کارشناس مسائل نفتی
درخاورمیانه " هیدروکربور می تواند در سه سطح مختلف، به لحاظ
استراتژی توسعه، به عنوان منبع انرژی و بشکل منابع اولیه مورد استفاده قرار گیرد .^(۵۲)

در زمینه استفاده نفت بعنوان منبع برنامه ریزی مالی، شوالیه قائل به تمیز
" قیمت نفت صادراتی و نفت مورد استفاده داخلی " می باشد تا از این
طریق به رشد صنایع ملی در مقابل رقابت های بین المللی یاری رساند .^(۵۳)
استفاده ارقییمت نفت و استفاده از سایر امکانات دیگر در شرایط امروزی
تناسب قوا و وجود اویک عملی به نظر می رسد .

اویک (۵۲)

پس از جنگ دوم جهانی همزمان با فروپاشی نظام قدیم استعماری ،
وتعمیق جنبش های استقلال طلبانه ملی و دگرگونی در تناسب قواباطهور

۵۲ - CHEVALIER J.M. LE NOUVEL ENJEU PETROLIER CALMANN -
LEVY 1973 P.123

۵۳ - شوالیه همانجا ص ۱۲۳

اوپك ، مساله نفت در مرحله جديد تاريخى مطرح گرديد . فضاى جديد حاك
 بر جهان ، نويد آرمودن مشكلات رادرمق امكان پذير ساخته است
 پيدايش اوپك چشم انداز تازه اى رابه كشورهاي كوچك صادر كننده نفت
 مى دهد ، تاديرتو آن در راه نظارت بر منابع زير زمينى خود گام
 بردارند و اردرآمد نفت در راه رشد اقتصادى و اجتماعى خويش استفاده
 نمايند . شرايط جديد ، رشد شهرهاي مولد جامعه و جهت گيرى آن به
 سمت استقلال مى راييش از پيش ملموس ترمى كند . گسترش اين فضاى
 معرفتى مى تواند به مبارزه گروه هاي اجتماعى جان تازه ببخشد .
 امامد مركز اوپك ، استراتژى توسعه به علل وجود گروه بندى هاي
 اجتماعى گوناگون و تضادهاي موجود ميان شركت كنندگان در اين سازمان
 و اهداف متنوع آنها در ارتباط با گذشته تاريخى و شبهه زندگى متفاوت
 امكان وحدت عمل به سختى قابل رويت خواهد بود . شوايه ، اظهار مى كند :
 در حقيقت ، عوايد مالى نفتى مى تواند به شكل هاي گوناگون مورد -
 استفاده قرار گيرد ، ممكن است به صورت عيش و نوش درباريان يا خريد
 تسليحات ، يابه صورت امانت هاي بادكرده در بانك هاي انگليس و
 سوئيس و يابه شكل سرمايه گذارى در تاسيسات صنعتى و ايجاد مدارس
 تجسم يابد . به عنوان مثال در سال ۱۳۵۰ ايران دست آوردهاي نفتى
 در تهران رابه مصرف عيش و نوش پرسوليس رسانيد در حاليكه الجزاير
 به ايجاد دهها كارگاه صنعتى همت گمارد .
 (۵۵)

۵۴- OPEC اوپك در سال ۱۹۶۰ ميلادى (۱۳۳۹) تاسيس يافت . سازمان
 اوپك از نظر جغرافيايى منطقه وسيعى از جهان : آمريكاى لاتين ، آسيا ،
 آفريقا و خاورميانه راديرمى گيرد . تصميمات اوپك بيشتر وى قيمت
 و سطح توليدات و تثبيت قيمت بر اى كشورهاي توليد كننده است .
 OAPEC سازمان نفتى عرب است كه ۸ سال پس از اوپك (۱۳۴۷)
 تاسيس شده و ده كشور عربى در آن عضويت دارند . بر اى اطلاع بيشتر
 به كتاب زير مراجعه شود :

Maachou A. OAPEC and Arab Petroleum, Paris, 1982.

برای اینکه بتوان در اوپک به منزله امری علیه انحصارات نفتی در درآمدت و در جهت منافع ملی استفاده کرد، لازم است ابتدا به بررسی اشکال اجتماعی - اقتصادی متنوع کشورهای تولیدکننده در اوپک پرداخت. این بررسی امکان می دهد، که تنوع گروه ها و کشمکش هایی را که باید یکدیگر دارند، درک کرد، نیاز حیاتی آنان را تشخیص داد، و تضاد آنها با انحصارات نفتی را شناخت، و برای دامن زدن به این درگیری ها در جهت منزوی کردن انحصارات نفتی و تقویت وحدت بین کشورهای تولیدکننده نفت کوشید. مسلم است پیوند مشترک با کشورهای صاحب نظام های اقتصادی - اجتماعی گوناگون در امر مبارزه با انحصارات نفتی جنبه موقتی خواهد داشت یعنی یک خواست مشترک تا به آخر مشترک نخواهد بود و در طول زمان که قسمتی از آن خواست ارضا شود، دیگر نمی تواند همگام با سایر کشورهای تا آنزوی سیادت کارتل نفتی در کشورشان به پیش می روند. بنابراین مشی مشترک در اوپک با توجه به تنوع اشکال اقتصادی - اجتماعی حاکم و تنوع نیازها باید بر اساس کوتاه مدت تدوین شود. از هرگونه اشتراک و لونا چیز و گذرا در این مصاف استقبال به عمل آورد، و هرگونه پیشنهاد عینی و منطقی را در جهت تقویت وحدت اضعاف پذیرفت. درست است که جنبه های عینی با خواست های اکثریت شرکت کنندگان در اوپک سازگار نیست ولی هدف مبارزه، پس گرفتن سلاحی است که کارتل نفتی با استفاده از آن توانسته است وحدت و استقلال کشورهای کوچک را به خطر انداخته، و سیادت خویش را اعمال کند و سودهای نجومی از این کشورها به مرکز خود انتقال دهد.

همان گونه که کارتل نفتی سود مشترک را بر رقابت میان گروه

ترجیح داده است، کشورهای تولید کننده نفت نیز باید از اینک همچون
ابزاری در جهت وحدت منافع خویش استفاده کنند و امکان استفاده
متقابل را ارتقا رتق نفتی بگیرند ●

منابع

- اودل - پیتر نفت و کشورهای بزرگ جهان ترجمه ا. ج. جهانبگلو،
تهران، شرکت سهامی خوارزمی ۱۳۵۷.
- روحانی فواد تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت
سهامی کتاب های حبیبی ۱۳۵۲
- رو حانی فواد صنعت نفت ایران ۲۰ سال پس از ملی شدن، تهران،
شرکت سهامی کتاب های حبیبی ۱۳۵۶
- کاتم، ریچارد ناسیونالیسم در ایران (انگلیسی)، انتشارات دانشگاه
پیتسبورگ ۱۹۶۴
- فاتح مصطفی ۵۰ سال نفت ایران، تهران، انتشارات پیام، چاپ
دوم - ۱۳۵۸
- لسانی ابوالفضل طلای سیاه یابرای ایران تهران انتشارات امیرکبیر
چاپ جدید ۱۳۵۷
- موحد محمد علی نفت ما و مساله حقوقی، تهران، خوارزمی ۱۳۴۹
- یزدان پناه عزت اله نفت ایران و مراجع بین المللی، تهران
- گروه سیاسی کمبریج تهدید شرکت های چندملیتی، ترجمه سوداگر،
تهران، انتشارات موسسه تحقیقات اقتصادی - اجتماعی پارسند
چاپ اول ۱۳۵۶، چاپ دوم ۱۳۵۹

